

حسن

ره نموده‌های اخلاقی امام مجتبیٰ علیه السلام

با توصیه‌هایی به جوانان

انتخاب دوست

سید حسین حسینی

حسینی، سید حسین، ۱۳۲۵ -

حُسنِ حَسَن (ره‌نمودهای اخلاقی امام مجتبی‌علیه با توصیه‌هایی به جوانان در انتخاب دوست) / نویسنده سید حسین حسینی - تهران: آفاق، ۱۳۸۲.

۸۰ ص. (شناخت‌های اخلاقی: ۷)

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا. ISBN 964 - 8918 - 04 - X

ص ۰ ع - لاتینی شده: HOSSN-E- HASSAN (Hassan's virtues)

moral guidance from Imam Hassan Maghtabaa (PBUH)

کتاب‌نامه: به صورت زیر نویس.

۱. حسین بن علی علیه، امام دوم، ۲- ۵۰ ق. -- کلمات قصار. ۲. حسن بن علی علیه، امام دوم،

۳- ۵۰ ق. -- احادیث. ۲. حسن بن علی علیه، امام دوم، ۲- ۵۰ ق. -- فضایل. الف. عنوان.

ب. عنوان: ره‌نمودهای اخلاقی امام مجتبی‌علیه با توصیه‌هایی به جوانان در انتخاب دوست.

۲۹۷/۹۵۲

۵۵ ح ۲ / ۳ BPP

۸۴ - ۲۵۴۲۹ م

کتاب‌خانه‌ی ملی ایران



نشر آفاق

تهران: خیابان پاسداران، دشتستان چهارم، نبش زمرد، پلاک ۴۳

کدپستی ۱۹۴۷۹۴۶۶۶۶ - تلفن: ۲۲۸۴۷۰۳۵ - فاکس: ۲۲۸۵۵۹۰۷

E-mail : info@afagh.org

www.afagh.org

حُسنِ حَسَن

(ره‌نمودهای اخلاقی امام مجتبی‌علیه)

سید حسین حسینی

چاپ اول: ۱۳۸۲ ش. ۵۰۰۰ نسخه

ویراستار: سید علی رضوی

طراح جلد: علی اکبر یزدی

حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: سیاهی

صحافی: فرنو

۷۰۰ تومان

حق شرعی و قانونی هر نوع چاپ و تکثیر فقط برای ناشر محفوظ است.

ISBN 964 - 8918 - 04 - X

شابک ۹۶۴ - ۸۹۱۸ - ۰۴ - X

پیش گفتار

به نام آفریننده‌ی حُسن و حَسَن ﷺ

هان! زمین و زمان! مدینه و رمضان! خانه‌ی کوچک

فاطمه ﷺ و ماه صیام!

گوارایتان باد... افتخارتان باد!

ماه تمام شهرالله! خوشا تو را که ...

آینه‌ی تمام زیبایی، شاخه‌ی گل دامن زهرا، روشنی

چشم مرتضی، ریحانه‌ی دل رسول، ابو محمد حسن بن علی ﷺ را

هم سفر و هم راه و هم نشین‌ای.

او که درود خدا بر جانش مولود نیمه‌ی ماه رمضان سومین سال

هجرت است؛ هموست اولین نواده‌ی فرستاده‌ی خدا و نخستین

فرزند حیدر کَرار و فاطمه‌ی زهرا ﷺ.

او، حسن بن علی علیه السلام، هم دم و هم ساز و هم سان قرآن و روح آن است.

مصدق کریمه **﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾**^۱ است.

یکی از دو دریای رحمت خداوند مهربان است در آیت **﴿وَكُفَّيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ﴾**^۲.

تاویل سوگند بلند **﴿وَالَّتَيْنِ﴾** است که خداوند یاد کرد.

مصباح آیه ی روشنایی است در **﴿الْمُضْبَحُ فِي رُجَاةٍ﴾**^۳.

«کلمة الله»^۴ است و سرور جوانانِ اهل بهشت و امام از سوی خداوند.^۵

زیور و آرایش عرش رحمانی است؛^۶ فرزند رسول گرامی خدا صلی الله علیه و آله و وارث هیبت و بردباری پیشوای اسلام صلی الله علیه و آله؛^۷

همو که پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله او را می بوسید و می بویید.^۸

۱. **﴿خداوند اراده فرمود که پلیدی را از شما اهل بیت دور گرداند و**

شمارا پای پای کند.﴾ احزاب (۳۳): ۳۴.

۲. حدید (۵۷): ۲۹. عوالم ۱۶: ۳۲.

۳. تاویل الآیات ۱: ۳۶۰، ح ۷.

۴. همان: ۱۶۱.

۵. همان: ۱۸۴.

۶. **مُسْنَدُ الْإِمَامِ الْمُجْتَبَى** علیه السلام: ۲۱۱.

۷. همان: ۲۳۱، ح ۱.

۸. همان: ۲۳۳-۲۳۴، ح ۱.

ای ابامحمد! حسن!

نام دل‌نشین تو (در صحف پیشین) شُبْر یعنی حسن است؛ همان نام فرزند هارون، وزیر موسی علیه السلام^۱

و چهره‌ات یادآور سیمای رسول خدا صلی الله علیه و آله^۲.

تو خلیفه‌ی الاهی و جانشین علی علیه السلام، شهسوار میدان فتوّت و یکتای محراب عبادت‌ای.^۳

تو خویشاوند رسول‌خدایی که در کریمه‌ی «بگو-ای رسول ما- که: برای رسالت خود مزدی نمی‌خواهم؛ مگر مهرِ خویشانم را»^۴ بدان اشاره شده است.^۴

آن‌گاه که اموال خود را سه مرتبه با معبودت تقسیم کردی، راهِ خدا را به مردمان آموختی و آن زمان که بیست بار به خانه‌ی خدا پیاده رفتی، راه وصال حق را نشان دادی.^۵

ای تمام حُسن و سخاوت! تو در بخشش، زبان‌زدی که تنها به یک سائل، پنجاه هزار درهم و پانصد دینار عطا کردی؛ پس آن‌گاه ردای خویش به کرای باربر دادی.^۶

تو آن مهربان پدری که هم‌نشین نیازمندان‌ای؛ با آنان بر سر یک سفره می‌نشینی و با ایشان هم‌غذا می‌شوی.^۷

۱. مسند الإمام المجتبی علیه السلام: ۲۰، ح ۱.

۲. همان: ۳۲، ح ۳-۹.

۳. همان: ۳۶، ح ۳-۵.

۴. همان: ۴۴-۴۵، ح ۹.

۵. همان: ۴۷، ح ۵.

۶. همان: ۴۸، ح ۵.

۷. همان: ۵۳، ح ۱۹.

تو میوه‌ی شجره‌ی طوبایی.^۱

تو ساکن حظیرة القدس‌ای؛ بلندقبه‌ی سپیدی که سقف آن
عرش الرحمن است.^۲

اماما! ... مهربانا! ... کریم!

تو بدر منیر، چراغ روشن، نور فراگیر، ستاره‌ی راهنما،
موج بلند دریا، آب گوارا، شعله بر فراز بلندی، ابر پر از باران،
آفتاب تابان، آسمان سایه‌سار، چشمه‌ی جوشان و برکه و
باغستان پر از گل‌ای.

تو انیس و مونس‌ای؛ رفیق‌ای؛ پدر مهرورزی؛ برادر
برابری؛ از مادر مهربان‌تری؛ پناه‌ای؛ امین خدا در میان مردمان و
بر آفریدگان برهان‌ای.

تنها به سوی خدا می‌خوانی و از حریم خدا مدافع‌ای.^۳

... باری، تو از تبار «خوبان»‌ای.

۱. مسند الإمام المجتبی علیه السلام: ۵۸ ح ۲۹.

۲. همان: ۶۸ ح ۴۷.

۳. برگرفته از حدیث امام رضا علیه السلام، کافی: ۱: ۲۰۰.

مقدمه

۱

نامش از سوی خداوند و به دستور پیامبر ﷺ، «حسن»
 نهاده شد؛^۱ کنیه‌اش نیز ابو محمد و القابش مجتبی، زکی، سبط.
 پدرش علی علیه السلام و مادرش زهرا علیها السلام بودند و از این پدر و
 مادر: برادرش حسین علیه السلام و خواهرانش زینب و ام کلثوم علیهما السلام.
 در شب نیمه‌ی ماه مبارک رمضان سال سوم هجری در
 مدینه متولد شد. قنداقه‌ی او را به رسول خدا ﷺ دادند و
 پیشوای مهربان دعا فرمود که:

«خدا یا، او و فرزندانش را از مکر شیطان رانده‌شده در

پناه تو قرار دادم.»

آن حضرت در ۳۷ سالگی به امامت رسید.

مَحَبَّتِ پیامبر ﷺ ۱

رسول اکرم ﷺ فرمود:

«فرزند شاخه‌ی گل است و دو شاخه گل من حسن و

حسین اند.»

پیامبر ﷺ او را بر شانه می‌نهاد و دعا می‌فرمود:

«خداوندا! من حسن را دوست دارم؛ تو نیز، او را

دوست بدار.»^۲

یکی از پنج تنی که به میدان مباحله‌ی نصاری نجران

آمدند امام مجتبیٰ علیه السلام بود؛ هم‌آنان که آیه‌ی تطهیر در پاکی و
قداستشان از آسمان فرود آمد.

با خاندان اهل بیت علیهم السلام

اول رسول خدا ﷺ و مادرش فاطمه علیها السلام هفت سال زیست. پیامبر

مهربان محبت ویژه‌ای به وی داشت و درباره‌اش فرمود:

«خداوندا! او و دوست‌دار او را دوست بدار.»^۳

۳۷ سال نیز با پدر سپری کرد؛ در تمامی مراحل همراه

مولا بود. مدت امامتش ۱۰ سال بود و در سال ۵۰ هجری، به سم
معاویه، شربت شهادت نوشید. در آن هنگام، ۴۷ سال داشت و در
بقیع دفن شد.

۱. صحیفه الإمام الرضا علیه السلام: ۱: ۹۲.

۲. تاریخ الخلفاء: ۱۸۸.

۳. أنعمتنا: ۱: ۱۰۸.

مهر به حیوانات

نجیح نامی گوید: روزی امام حسن مجتبی علیه السلام را دیدم که مشغول خوردن غذا بود. در برابر آن حضرت سگی نشسته بود. امام مجتبی خود لقمه‌ای می‌خورد و لقمه‌ای هم، جلوی حیوان می‌انداخت. شگفت‌زده پرسیدم: از طعام خود به سگ می‌دهید؟! فرمود:

«حیا می‌کنم که جان‌داری نگاه کند و من غذا بخورم؛ اما به او ندهم.»^۱

وصیت به امامت

سُلیم بن قیس هلالی می‌گوید: در واپسین روزهای عمرِ امیر مؤمنان علیه السلام، شاهد بودم که به فرزندش امام حسن علیه السلام وصیت کرد و امام حسین علیه السلام و محمد و دیگر فرزندان خود و بزرگان شیعه و اهل بیتش را شاهد گرفت. آن‌گاه، کتاب و سلاح را به او سپرد و گفت:

«پسرکم! رسول خدا صلی الله علیه و آله به من امر کرده است که به تو وصیت کنم و کتاب و سلاح را به تو بسپارم؛ همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وصیت خویش به من فرمود و نوشتار و سلاح خود را به من سپرد. آن حضرت به من دستور داد که به تو امر کنم در هنگام مرگ، این‌ها را به برادرت حسین بسپاری.»

سپس به پسرش حسین علیه السلام رو کرد و دست علی بن الحسین را گرفت و گفت:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستور داده که این‌ها را به این پسر بسپاری.»

و به علی بن الحسین علیه السلام فرمود:

«رسول خدا فرمان داده است که آن‌ها را به فرزندت، محمّد بن علی بسپاری. از سوی رسول خدا و من به او سلام برسان.»^۱

هراس از قیامت و دوری دوستان

حضرت رضا علیه السلام از پدران خویش نقل می‌کند که:

«امام حسن علیه السلام در هنگام وفات می‌گريست. گفتند: چرا می‌گریید؟ حال آن‌که موقعیت شما نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنان است. پیامبر خدا فضایل شما را برشمرده است. بیست بار با پای پیاده حج گزارده و اموال خود را سه بار با خدا تقسیم کرده‌اید؛ تا آن‌جا که از دو جفت پای‌افزار، جفتی را به فقیر دادید و جفتی دیگر را نگاه داشتید! فرمود:

گریه‌ی من برای هراس از قیامت و دوری دوستان است.»^۲

۱. مسند الإمام مجتبی علیه السلام : ۳۶، به نقل از کافی : ۱، ۲۹۷.

۲. بحار الأنوار : ۴۳، ۳۳۲، ح ۲.

سَخاوت هاشمی

دو مرد، یکی از بنی هاشم و دیگری بنی امیه در سخاوت قوم خود بر یک دیگر مفاخره می کردند. اموی می گفت: قبیله ی من سخی تر از هاشمیان اند. هاشمی می گفت: خاندان من با گذشت ترند. قرار شد هر یک نزد ۱۰ تن از کسان خود بروند و چیزی بخواهند. اموی نزد ۱۰ تن از بنی امیه رفت و هر یک ۱۰,۰۰۰ درهم به او دادند؛ اما هاشمی، ابتدا نزد حضرت مجتبی علیه السلام آمد. آن حضرت دستور داد ۱۵۰,۰۰۰ درهم به او بدهند، سپس نزد حسین بن علی علیه السلام رفت. آن حضرت پرسید:

«پیش از من به کسی مراجعه کرده ای؟»

جواب داد: آری، به برادرت حسن بن علی که ۱۵۰,۰۰۰ درهم عطا کرد. فرمود:

«من بر عطیه ی سرور خود چیزی نمی افزایم.»

و ۱۵۰,۰۰۰ درهم به این مرد هاشمی داد.

مرد اموی با ۱۰۰,۰۰۰ درهم - که از ۱۰ نفر گرفته بود - به نزد مرد هاشمی آمد که ۳۰۰,۰۰۰ درهم از دو نفر گرفته بود! اموی از این تفاوت خشمگین شد. پول را به صاحبانش رد و آنها هم پذیرفتند. هاشمی نیز خواست درهم ها را باز پس دهد؛ ولی امام حسن و امام حسین علیهما السلام نپذیرفتند و فرمودند:

«می خواهی بپذیر و می خواهی بر خاک بیفتی؟ ما

عطای خود را باز نمی ستانیم!»^۱

پاداش برتر

راوی ای گوید: کنیزکی به امام علیه السلام شاخه‌ی گلی هدیه کرد.
آن حضرت فرمود:

«تو در راه خدا آزادی.»

پرسیدم: در مقابل یک شاخه‌ی گل، آزادکردن کنیز؟!
فرمود:

«خداوند ما را این چنین آموخته و فرموده است:
﴿زمانی که کسی شما را درودی گفت، بهتر از آن به او پاسخ
دهید...﴾ بهتر از این شاخ گل، آزادکردن اوست.»^۱

کمک‌های غیرمستقیم

طبع امام مجتبی علیه السلام به گونه‌ای بود که نیازمند را دست خالی
و ناامید بر نمی‌گرداند و گاهی که امکان کمک مستقیم نداشت،
به گونه‌ای دیگر نیاز برمی‌آورد. به داستان زیر- که در ایام جوانی
آن حضرت، به روزگار خلیفه‌ی دوم اتفاق افتاده است- توجه
کنیم:

مرد فقیری از آن حضرت درخواست کمک کرد. از قضا،
امام علیه السلام چیزی در دست نداشت؛ اما حیا کرد که نیازمند از خانه‌ی
او دست خالی برگردد.

این بود که به سائل فرمود:

«تو را به کاری راهنمایی می‌کنم که به هدف برسی.»

مرد گفت: آن کار چیست؟ امام علیه السلام فرمود:

«امروز دختر خلیفه مرده است و وی اندوهگین
اوست؛ اما کسی به او تسلیت نگفته است. نزد او برو و
به گونه‌ای که می‌گویم، به او تسلیت بگو، که به مرادت خواهی
رسید!»

پرسید: آن جمله چیست؟ فرمود:

«برو و بگو: سپاس خدای را که با نشستن تو بر قبر او،
وی را در زیر خاک پوشانید و او را بر سر قبر تو نشانید!»
فقیر چنین کرد. این جملات عاطفی خلیفه را خوش آمد و
از اندوهش کاست و دستور هدیه‌ای به او داد. سپس از مرد
پرسید: این جملات را از خود گفتی؟ گفت: خیر! این جملات را
حسن بن علی علیه السلام به من آموخت. خلیفه گفت: راست می‌گویی. او
دارای فصاحت و شیرینی در گفتار است.^۱

اهل بیت دانش و فضیلت

روزی عثمان بن عفان بر در مسجد نشسته بود. مردی بر او
عبور کرد و از او کمک خواست. او پنج درهم به مرد داد. سائل
گفت: مرا به جایی راهنمایی کن. گفت: برو نزد آن جوانان که
می‌بینی (و با دست به گوشه‌ی مسجد اشاره کرد که در آن جا،
حضرت امام حسن و امام حسین علیه السلام و پسرعمویشان عبدالله بن
جعفر نشسته بودند). مرد فقیر نزد آنان رفت و سلام کرد و از آنان

درخواست کمک کرد. امام مجتبیٰ علیه السلام فرمود:

«ای مرد! سؤال و درخواست کمک روا نیست؛ مگر در یکی از سه مورد: خونی فاجعه‌آمیز یا بده کاری دردآور یا فقری که انسان را خاکستر نشین کند. اکنون بگو تو در کدام یک از این سه مورد هستی؟»

مرد گفت: در یکی از آن‌ها. آن‌گاه، امام حسن علیه السلام دستور داد ۵۰ دینار به او بدهند. امام حسین علیه السلام ۴۹ دینار و عبدالله بن جعفر هم ۴۸ دینار دادند. مرد برگشت و بر عثمان گذر کرد. عثمان از او پرسید: چه کردی؟ گفت: تو راهنمایی‌ام کردی و اینان چنین کردند. عثمان گفت: مانند این جوان مردان کیست؟ آن‌ها از سینه‌ی علم شیر خورده و خیر و برکت را نزد خود گرد آورده‌اند.^۱

درس عبرت^۲

امام حسن علیه السلام مبالغه‌ی بسیاری کمک می‌کرد؛ آن هم در یک مرحله و بدین سبب، شگفتی دیگران را برمی‌انگیخت؛ چرا که آن حضرت، می‌خواست همیشه و تا آخر عمر تهی دست را بی‌نیاز کند و هرگز راضی نمی‌شد تنها احتیاج یک روز نیازمند را برآورد؛ مبادا وی دست خود به سوی دیگران دراز کند. سیوطی می‌نویسد:

حسن علیه السلام [صاحب مناقب فراوانی بود. آقا و بردبار، باوقار و باحشمت و بخشنده و ستوده].^۳

۱. بحار الأنوار ۴۳: ۳۳۳؛ خصال: باب الثلاثة.

۲. سیرة الأنمة علیه السلام: ۸۶.

۳. تاریخ الخلفاء: ۱۸۹.

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۵	پیش‌گفتار

مقدمه

۱۱ - ۲۰

۱۴	مَحَبَّتِ پیامبر ﷺ
۱۴	با خاندان اهل بیت علیهم‌السلام
۱۵	مهر به حیوانات
۱۵	وصیت به امامت
۱۶	هراس از قیامت و دوری دوستان
۱۷	سخاوت هاشمی
۱۸	پاداش برتر

- ۱۸ کمک‌های غیرمستقیم
- ۱۹ اهل بیت دانش و فضیلت
- ۲۰ درس عبرت

باغستان اوّل

۲۲ - ۲۱

- ۲۳ امام حسن علیه السلام در آینه‌ی خیرخواهی

باغستان دوم

۴۶ - ۳۳

- ۳۵ نکاتی از اخلاق امام حسن علیه السلام

باغستان سوم

۵۵ - ۴۷

- ۴۹ ملاک‌های دوست خوب از زبان امام حسن مجتبی علیه السلام

باغستان چهارم

۶۶ - ۵۷

- ۵۹ نکاتی اخلاقی به نقل از امام مجتبی علیه السلام

- ۶۷ پایان سخن

- ۶۹ بیاید در ماه میلاد امام حسن علیه السلام این‌گونه باشیم